

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محک باستانی

۰۵ جولای ۲۰۱۱

## بوکشی جواسیس برای شناسائی «محک باستانی»

اولتراز همه از هموطن محترم آقای سید موسی عثمان «هستی» به خاطر مزاحمت نیمه شبی که به سبب تلاش برای شناسائی نام مستعار من در قسمت آنها رخ داده است ، قلباً معذرت خواسته و اظهار همدردی می نمایم. هرگاه استنتاج بعد از نشر نوشته من صورت گرفته باشد ، مؤید آنست که اینبار نقطه درد خائنان بیشتر و بهتر از گذشته نشانه گرفته شده و تیر کاملاً به هدف خورده است زیرا پی بردن به حییل توطئه گران ، در حکم خفه نمودن آنهاست. برمی گردیم به جنجالی که وقتاً فوقتاً نام مستعار راه می اندازد.

خانم محترمی که بعد نیمه شب، هموطن ما آقای «هستی» را از خواب، آنهم در بستر مریضی، بیدار نموده اند، حاضر نشده اند تا هویت خود را فاش بسازند. به نظر من، این خودداری آنها از ذکر نام شان، کدام تفاوتی با برگزیدن نام مستعار ندارد. پس ایشان روی کدام منطق استفاده از نام مستعار را در قسمت من و یا هموطنان دیگری که با نام مستعاری نویسنده، تقبیح نموده و به خود حق غرولند می دهند؟ از طرف دیگر، دست یازیدن به نام مستعاریه غرض پیشبرد مبارزه ضد استعماری و ضد ارتجاعی نه تنها معقول بلکه به نظر من جزء انضباط مبارزاتی می باشد. من چند بار یاد آور شده ام و باز هم تکرار می نمایم که من نه از روی ترس و جبن و نه هم به دلیل فتنه انگیزی با نام مستعاری نویسم. همان گونه که در بین مردم ما معمول است که می گویند: «دل شیرنداری ، سفر عشق مکن!» با مصداق همان گفته ، من در راه عشق به توده های دربند و زیرستم چند جانبه ، بدون ترس و خوف از دشمن به مبارزه تعهد بسته ام. حال اگر از نظر جواسیس مختلف ، این طرز العمل گویا در پشت نام مستعار پنهان شدن باشد ، بهل که باشد.

من شخصاً ، و مطمئناً که هموطنان مبارز دیگر هم روی این نکته با من همنوا خواهند بود ، از نام مستعاریه عنوان ابزاری به ضد دشمن کاری گیرم. درست همین نکته است که دشمن و دشمنان گوناگون مردم ما را که مسلماً دشمن من هم هستند ، به غضب آورده زیرا تا حال قادر نشده اند مرا شناسائی نمایند. چه بهتر از این که دشمن یا دشمنان را با آنگونه سلاحی به طرف دیوانگی بکشانیم که به آسانی قادر به مقابله با آن نباشند. این خصوصیت شنیع جواسیس است که با بوکشی می خواهند اشخاص مبارز را شناسائی نموده ، برای مقابله با آنها و به خصوص اندیشه های آنها آمادگی بگیرند ؛ و نظریه اینکه آن فرد تا چه اندازه منافع شان رابه خطری اندازد ، در مورد وی اقدام نمایند. در این

مورد قطعاً جای شک و تردید نیست که خانم محترم گماشته شده در پاسی گذشته از نیم شب ، به هیچ وجه آن تشبیه خیال انگیزانه را به ابتکار خود انجام نداده بلکه همان انگشتانی که تارهای «لوده گک پاک دل» را کش می کنند، اینبار عروسک را عوض نموده اند تا باشد مخاطب خود را همزمان با شوک قوی از نوع تکان های نیمه شبی «خاد» و «اکسا» و همتای فعلی آن ، به نوعی آرامش هم دعوت نماید. اکثراً در استنطاق پولیس و شکنجه زندان دیده شده که یک مستنطق با خشونت و حیوانیت برخورد نموده ، و آن دیگری با مهربانی و نوعی «تفاهم» به دست یافتن به اسرار اسیر تلاش می ورزند. این خانم محترم خواسته هر دو نقش را یکی بعد دیگری انجام دهد. من با معذرت خواهی دوباره از آقای «هستی» ، این را اضافه می نمایم که ایشان در این قضیه هیچ تقصیری و یا دخلی ندارند و این نام مستعار من است که برای شان درد سر خلق نموده است.

نکته جالب دیگری هم نمایانگر آنست که این مانور مذبحخانه دیگری از همان دهاره عوامفرب «دموکراسی» خواه است. اگر به یاد داشته باشید ، باری یک «خواننده» پورتال «افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» عمداً خود را کم سواد جلوه داده و در ضمن نشخوار لاطایلات ، به یک بارگی عصبانی شده و ادعا نموده بود که گویا در پورتال به جا و بیجا از انقلاب حرف زده می شود؛ و ازین ناحیه از سر رفتن حوصله خود و دیگر خوانندگان پورتال یادآور شده بود. تصنعی بودن و مغرضانه بودن آن ایمیل در همان زمان به اثبات رسید و آن شخص هم تا امروز غیب شد. اینبار دفعته سخن از «بزپنجشیر» در میان آمده است... که این خود سؤال برانگیز است. ممکن آقای «هستی» ، به حق و برای خوشی خاطر ملیون ها هموطن بلاکشیه ما ، «بزپنجشیر» را استهزاء نموده باشند ولی آن موضوع با نام مستعار محک باستانی چه ارتباطی دارد؟ حد اقل سبک نوشتار و شیوه استدلال نشان می دهد که این نام مستعار نمی تواند از کسی باشد که خود با نام اصلی می نویسد.

خانم محترم! و آنهایی که شمار ادرآن وقت شب به امر خطیری توظیف نموده اند ، باید بدانید که مبارزه درواری نام مستعار به ضد استعمار و نوکران گوناگون آن حیثیت جنگ چریکی را دارد در میدان قلم. تا زمانی که آخرین تپش قلب توان شلیک گلوله های آتشین کلمات را ممکن سازد ، به جانب شما خاینان و بداران تان ، تیرهای جانگداز را حواله خواهم نمود این مبارزه آنچنانی که شماها مذبحخانه تلاش می کنید تا آن را «عقده های شخصی!!» جا بزنید ، ابراز خشم توده های ملیونی است که از طرف حامیان اشغالگر شما ، امروز به بیرحمانه ترین و نا انسانی ترین شکل دربند کشیده شده اند.

مرگ بر همه نوکران استعمار